

تبیین نقش صوت و مکان در دیالکتیک مخاطب و تعلق به مکان بر ساکنان سازه‌های معماری معاصر (نمونه موردی: الگوی حیاط مرکزی)

چکیده

معماری آمیزه‌ای از دانش و خلاقیت است و محصول آن ایجاد «دیالکتیک بین مخاطب و مکان» است. انسان براساس ارزش‌های فرهنگی خودش به فضا و محیط پیرامونش معنا می‌بخشد و رفتارش را متناسب با آن تنظیم می‌کند. پژوهش در زمینه مفهوم «حس تعلق به مکان» در کنار عناصر زندگی مدرن ثابت می‌کند که این شاخص به‌عنوان مفهومی مرتبط با دلبستگی به مکان می‌تواند منجر به تجربه حضور در مکان شود که شکل‌دهنده حس مکان است. روش انجام این پژوهش کیفی بوده و از نظر هدف نیز کاربردی به‌شمار می‌آید. در خانه‌های معاصر، تراکم جمعیت، تغییرات در سرانه زمین، روابط فضایی و ساختاری، تغییرات در فعالیت‌های روزانه و سبک زندگی منجر به تغییراتی در ریخت‌شناسی و معنای مسکن شده است. نیازهای زندگی مدرن، طراحان را به حذف فیزیکی یا معنایی برخی عناصر اجتماعی در مسکن، همچون حیاط در خانه‌های قدیمی سوق می‌دهد؛ درحالی‌که انسان سنتی در خانه‌ای مجتمع می‌زیست و حس اجتماع در او پررنگ‌تر بود. در نتیجه، فرم و صوت در این خانه‌ها افزایش حس تعلق به مکان را به‌دنبال داشت اما امروزه تغییرات در نوع روابط میان انسان و محیط موجب کاهش حس تعلق به مکان، تغییرات در فرم فضایی، عدم تطابق با نیازها، تکرار و کمبود وقایع خاطره‌انگیز، تخریب اعتبار فضایی شده است.

اهداف پژوهش:

۱. مقایسه تطبیقی معماری سنتی ایران با معماری نوین غربی در ایجاد حس تعلق به مکان.
۲. نقش صوت در تداعی تصاویر ذهنی انسان در خانه‌های سنتی و آپارتمان‌های امروزی.

سؤالات پژوهش:

۱. تفاوت معماری سنتی ایران با معماری نوین غربی در موضوع کیفیت ارتباط بین مخاطب و مکان چیست؟
۲. صوت چگونه می‌تواند بر تصاویر ذهنی انسان تأثیر بگذارد و حس تعلق به مکان را ایجاد کند؟

کلیدواژه‌ها: صوت، حس تعلق به مکان، دیالکتیک، خانه، حیاط مرکزی.

مقدمه

نظریه‌های گوناگونی در ارتباط با تأثیر محیط بر رفتار انسان و چگونگی ارتباط و تعامل بین محیط کالبدی و تجربه انسان از آن وجود دارد؛ اما به‌طور کلی انسان برای ارضای نیازهای فیزیولوژیک، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی خویش و به‌منظور ایفای نقش‌هایش به فضاهایی با حدود و شرایط مناسب نیاز دارد و هنگامی که نتواند شرایط موردنظر را به‌دست آورد، تغییر رفتار می‌دهد و یا خود را با شرایط موجود سازگار می‌کند. ارتباط بین انسان و محیط یک فرآیند معنایی است که در سه مرحله احساس، ادراک و شناخت صورت می‌پذیرد و در نهایت به رفتاری خاص از انسان منتهی می‌شود. درواقع، ارتباط انسان با محیط یا رابطه عین و ذهن به‌صورت دیالکتیک آشکار می‌شود؛ زیرا پیوند انسان با محیط پیرامونش با حواس‌های چندگانه وی صورت می‌پذیرد و هر یک از آنان ادراکات متفاوتی را برای انسان فراهم می‌آورند و به همین دلیل است که حواس انسان نقشی مهم در ارتباط وی با محیط پیرامونش دارد.

امروزه یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های مهم جوامع بحران هویت و عدم حس تعلق به محیط در انسان‌هاست. مصنوعات (معماری، شهرسازی و غیره) در هر جامعه‌ای حافظ ریشه و هویت آن است. هویت واژه‌ای است که از ویژگی‌ها و امتیازات فرد، گروه‌های بشری، اقوام و ملت‌ها صحبت می‌کند. امروزه این واژه با معماری شهرها و روستاها نیز ارتباط می‌یابد. هویت شهر در هر دوره، ویژگی‌ها و امتیازات آن دوره را نسبت به دوره‌های پیش و وجه تمایز یک شهر را با شهرهای دیگر بیان می‌کند به همین دلیل در معماری امروز مراحل شناخت هویت و عوامل تشکیل‌دهنده آن لازم و ضروری است. حضور پررنگ مدرنیته در جوامع حس تعلق به مکان و تعامل انسان با محیط را کاهش داده است و فضاهای مسکونی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای مورد استفاده انسان که بیشترین تعاملات و زمان خویش را در آن می‌گذرانند به یک عنصر خشک و بی‌روح تبدیل شده است به همین دلیل شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد حس مکان در انسان‌ها در فضاهای مسکونی اهمیت بسیاری دارد. در معماری سنتی ایران ارتباط بین مخاطب و مکان نمودی خاص دارد. صوت، نور، رنگ و هندسه از مهم‌ترین مؤلفه‌های معماری ایران به‌ویژه در دوره اسلامی است که بین مخاطب و مکان رابطه دیالکتیک برقرار می‌کند و در ایجاد حس تعلق به مکان در انسان تأثیر به‌سزایی دارد. صوت و یا صدا یکی از عوامل اصلی فضا در معماری است که در ایجاد حس مکان در انسان در دوره‌های مختلف زندگی وی بوده که با استفاده از آن نیز می‌توان باعث افزایش تعاملات انسانی در فضا در زندگی معاصر شد. در معماری مدرن با استفاده از صوت یا صدا می‌توان به نیازهای ذهنی و روانی انسان پاسخ داد و اثرات آن را در کنش‌های محیطی و واکنش‌های فیزیکی به‌صورت محسوس مشاهده کرد. مکان و حس مکان امروزه از مهم‌ترین مسائل پیشرو در فضاهای مسکونی است که چالش بسیاری از معماران و شهرسازان به‌شمار می‌آید. بارها اتفاق می‌افتد که بعد از تجسم خاطرات، بعضی از تصاویر همراه صدای آن تکرار می‌شود و همین مسئله «حس تعلق به مکان» را در ذهن انسان در مکان‌های مشابه دیگری تداعی می‌کند. در گذشته بناها از توانایی بسیار بالایی برای برقراری تعامل بین انسان و فضا برخوردار بودند؛ اما امروزه این تعامل از بین رفته و ارتباط بین انسان و فضا کم‌رنگ شده است.

انسان براساس ارزش‌های فرهنگی محیط خویش به فضاها، محرک‌ها و رویدادهایش معنا می‌بخشد و رفتار خود را متناسب با آن تنظیم می‌کند؛ به همین دلیل شناخت، توصیف و تبیین رفتار انسان به درک رابطه محیط و رفتار وی کمک می‌کند. توجه کردن انسان به محیط و درگیر ساختن تمام حواس وی در ادراک آن از ویژگی‌های اصلی

بناهای سنتی بوده است که امروزه این مؤلفه مهم را در بناهای معاصر نمی‌یابیم و معماری مدرن باید از پوسته ظاهری و بی‌معنا خویش خارج شود تا بتواند دوباره روح و معنای بناهای سنتی را به ساختمان‌های جدید بازگرداند. درواقع آسیب‌شناسی معماری معاصر از طریق تحلیل و بررسی نقش حواس و نقد سوگیری فرهنگ به ساختمان به‌طور کلی و در معماری به‌طور خاص قابل‌فهم و شناسایی خواهد بود. نقد تفکری که در معماری همه چیز را به سطح تقلیل می‌دهد و به دنیای تعدد معنایی و بی‌معنایی راه می‌یابد. موضوع رابطه انسان و محیط همواره موردتوجه پژوهشگران حوزه معماری بوده است و با این نگاه می‌توان پیونددهنده ارتباط انسان و محیط و یا موجب گسست هر دو آن‌ها بود. در این راستا شناخت انسان و ویژگی‌های محیط زندگی وی و چگونگی برقراری رابطه بین این دو عامل اهمیت به‌سزایی دارد. نگارندگان در این نوشتار به بررسی و تحلیل نقش صوت در دیالکتیک مخاطب و مکان در حس تعلق به مکان در ساکنان فضاهای زیستی (نمونه موردی: الگوی حیاط مرکزی) می‌پردازند و با پژوهش علمی نشان می‌دهند که صدا چگونه می‌تواند بر تصاویر ذهنی انسان تأثیر بگذارد و حس تعلق در مکان را در وی ایجاد کند.

روش انجام این پژوهش کیفی بوده و از نظر هدف نیز کاربردی به‌شمار می‌آید. در ابتدا چک‌لیستی از عوامل مؤثر در ایجاد منظر صوتی و حس تعلق به مکان در معماری مسکونی تهیه شد. سپس به مطالعات کتابخانه‌ای در مورد معماری مسکونی سنتی و به‌طور خاص در مورد خانه‌های حیاط مرکزی پرداخته شد. با توجه به نتایج پژوهش کتابخانه‌ای، بازدید میدانی از خانه‌های حیاطدار سنتی در تهران، مصاحبه با ۱۵۰ نفر از استادان، کارشناسان معماری، ساکنین آنان از طریق تکمیل پرسش‌نامه پژوهش نتایج زیر به‌دست آمد.

روش نمونه‌گیری این پژوهش نیز براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای است که به شیوه‌های تقسیم مساوی، انتساب بهینه و انتساب متناسب اجرایی شد و نویسندگان برای تعیین حجم نمونه از روش کوکران استفاده کردند.

$$n \leftarrow \text{حجم نمونه}$$

$$N \leftarrow \text{حجم جمعیت آماری}$$

$$Z \leftarrow \text{درصد خطای معیار ضریب اطمینان قابل}$$

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های خانه حس تعلق به مکان آن است. امروزه الگوی غالب مسکن در شهرهای معاصر کشور، دو گونه آپارتمانی و مستقل حیاطدار است. هرکدام از این دو گونه سکونتگاهی ویژگی‌های خاص خود دارند این ویژگی‌ها، قابلیت‌هایی را برای ساکنین آن‌ها فراهم می‌آورد. افراد باتوجه به انگیزه‌ها و نیازهایی که دارند از این قابلیت‌ها استفاده کرده و رفتارهایی متناسب با این قابلیت‌ها در محیط از خود بروز می‌دهند. مجموعه این قابلیت‌های محیطی و رفتارهای انسانی، سطوحی از معانی را برای افراد ساکن در خانه ایجاد می‌کند که شامل معانی سطح پایین (کارکردی)، معانی سطح میانه (اجتماعی) و معانی سطح بالا (نمادین) هستند. حال چنانچه مفهوم تعلق به مکان را یک ابر معنی (معانی سطح بالا - نمادین) در نظر بگیریم، در سطح کارکردی و اجتماعی (رفتاری) باعث ایجاد این معنی در خانه می‌شوند. پس از تحلیل‌های انجام شده در پرسش‌نامه و مصاحبه‌های میدانی خانه‌های حیاطدار در ایجاد حس تعلق به مکان در ساکنین از طریق تأمین نیازهای انسانی، ایجاد منظر صوتی، ارتباط با طبیعت و فضای

باز و بسته و تجربه زندگی گذشته و یادآوری خاطرات تأثیرگذار بوده است؛ لذا باتوجه به موارد مذکور در طراحی مسکن معاصر می توان از طریق ایجاد این موارد باعث افزایش حس تعلق به مکان و ایجاد منظر صوتی شد.

منابع و مأخذ:

- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۱). معماری و راز جاودانگی؛ راه بی زمان ساختن، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ایروانی، محمود و دیگران. (۱۳۸۳). روان شناسی احساس و ادراک، چاپ هشتم، تهران: نشر سمت.
- باشلار، گاستون. (۱۳۸۵). دیالکتیک برون و درون؛ پدیدارشناسی خیال، ترجمه: امیر مازیار، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- بنتلی، ای ی و دیگران. (۱۳۹۸). محیط های پاسخده. ترجمه: مصطفی بهزادفر. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۶). هویت شهر؛ نگاهی به هویت شهر تهران. تهران: انتشارات شهر تهران.
- پاکزاد، جهان شاه. (۱۳۹۰). عناصر و کیفیت های منظر یک فضای شهری، دو فصلنامه آبادی، شماره ۳.
- پرتوی، پروین. (۱۳۹۲). پدیدارشناسی مکان، چاپ دوم، تهران: فرهنگستان هنر.
- جنکنز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیراز.
- حبیبی، محسن و هور کاد، برناد. (۱۳۸۴). اطلس کلانشهر تهران، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (شهرداری تهران).
- حجت، عیسی. (۱۳۸۴). هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز؛ تاملی در رابطه هویت و معماری. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشرنی.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). آشنایی با معماری مسکونی ایران. گونه شناسی بروننگرا. تهران، سروش دانا.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۸۹). شعر زبان و اندیشه رهایی، ترجمه عباس منوچهری، چاپ دوم، تهران، مولوی.
- Barati, N., Zohreh Davoudpour, & Montazeri M. (۲۰۱۳). Research method in environmental studies. Teh-ran: Saco Publications. [in Persian].
- Cain, R., Jennings, P., Adams, M., Bruce, N., Carlyle, A., Cusack, P., Davies, W., Hume, K. & Plack, C. (۲۰۰۸). An activity-centric conceptual framework for assessing and creating positive urban soundscapes. Proceedings of the Institute of Acoustics, ۳۰) ۲۵۴۶-۵۵۱.
- Canter, D. (۱۹۷۷). The Psychology of Place, the architectural press, London.
- Davies, WJ., Adams, MD., Bruce, NS., Cain, R., Carlyle, A., Cusack, P., Hall, DA., Hume, KL., Irwin, A., Jennings, P., Marselle, MR., Plack, CJ. & Poxon, J. (۲۰۱۳). Perception of SoundScape: An Interdisciplinary Approach. Applied Acoustics, ۷۴) ۲۲۲۴-۲۳۱.
- farina, A. (۲۰۱۴). Soundscape Ecology: patterns, Methods and Applications: Sprnger.
- Kang, J. (۲۰۰۶). Urban Sound Environment. Florida: CRC Press.

Kihlman, T., Kropp, W., Öhrström, E., & Berglund, B. (2001), Soundscape support to health. A cross-disciplinary research program, In Proceedings of the International Congress and Exhibition on Noise Control Engineering, Hague, The Netherlands.

Payne, S., Davies, W. & Mags, A. (2009). Research into the Practical and Policy Applications of Soundscape Concepts and Techniques in Urban Areas)NANR 200. Department for Environment, Food and Rural Affairs.

Raimbault, M. & Dubois, D. (2005). Urban soundscapes: Experiences and knowledge. Cities, 22)5339-350.

Schafer, R. M. (2009). The Soundscape; our sonic environment and the tuning of the world. Rochester: Destiny books.

Yang, W. & Kang, J. (2005). Acoustic comfort evaluation in urban open public spaces. Applied Acoustics, 66)221-229.